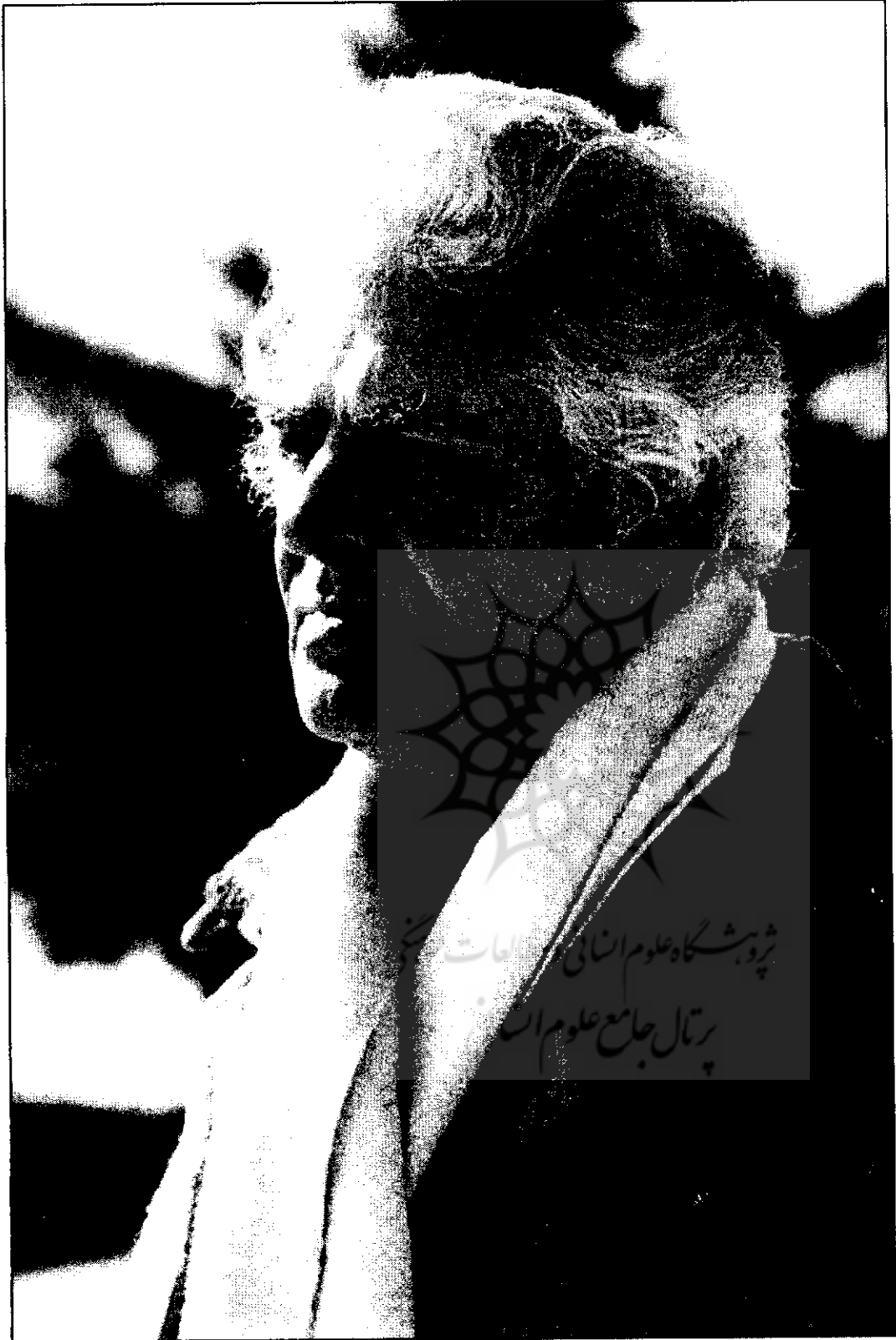




● شماره ۲ و ۵ تیر و مرداد ۱۳۷۸ ● صفحه ۱۰ ●



# بزرگداشت شاملو در سوئد

گزارشی از فرخ لقا ارسلانی



روز شنبه پنجم ژوئن ۱۹۹۹ (۱۵ خرداد ۱۳۷۸) خانم آذر محلو جیان مترجم اشعار و آثار احمد شاملو شاعر بزرگ ایران، به زبان سوئدی، به نیابت از او جایزه استیگ داگرمن برای سال ۱۹۹۹ را دریافت کرد. این جایزه نام شاعر محبوب سوئد را بر خود دارد، و از چهار سال پیش تا کنون به اشخاص یا نهادهایی اعطا می‌شود که در جهت آرمان‌های داگرمن یعنی دفاع از آزادی بیان و بحث تلاش کرده باشند. استیگ داگرمن از ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۴ زندگی کرد و یکی از معروف‌ترین نویسندگان و شاعران سوئد است. او سرودن شعرهای تغزلی و حسی را با فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی درآمیخته بود، و مسائل مبتلا به فرد و نوع بشر درون‌مایه زندگی و هنر او را تشکیل می‌داد. مقاله‌ها و کتاب‌هایی که از او به یادگار مانده، از زمره بهترین میراث‌های ادبی مدرن سوئیس به‌شمار می‌روند.

متأسفانه بیماری ناگهانی شاملو، او و همسرش آیدا را از سفر به سوئد و آلو کارله‌بی - زادگاه داگرمن - بازداشت. انجمن استیگ داگرمن مراسم در خوری را برای تقدیم جایزه به شاعر بزرگ ما تدارک دیده بود، که قرار بود با حضور او و اعضای آکادمی نوبل از ساعت ۱۱ تا ۱۷ روز پنجم ژوئن برگزار شود. آئین بزرگداشت و اهدای جایزه مطابق برنامه پیش‌بینی شده انجام گرفت، اما عدم حضور شاملو آه حسرت از نهاد مشتاقان دیدار او، بویژه ایرانیانی که خود را از کنار گوشه دنیا به آلو کارله‌بی رسانده بود، برآورد.

برنامه را ایرن استرید، رئیس فعالیت‌های فرهنگی و اوقات فراغت الو کارله بی افتتاح کرد. بعد سون هلدن استن سردبیر مجله Provens (ارگان انجمن نویسندگان استان نورلند) سخنرانی کرد. آنگاه کلرویک هولم و براندرشون، بازیگران تئاتر شعرهای «عاشقانه» و «در لحظه» را قرائت کردند. در پایان این بخش از برنامه که از ۱۱ تا ۱۲ ادامه داشت آرنه روت جایزه شاملو را تقدیم کرد و به دنبال آن گروه نوازندگان «اکنون زمان گل می‌رسد» را اجرا کردند. بخش دوم برنامه بزرگداشت از ساعت ۱۴ تا ۱۷ همان روز به معرفی آثار شاملو و حضور ادبیات فارسی در کشورهای دیگر جهان

اختصاص داشت. اشعار و نوشته‌های دیگری از شاملو همراه با اجرای زنده موسیقی قرائت شد. برنامه با اجرای شعر «یک روز در سال» از استیگ داگرمن به پایان رسید. در این مراسم لارش فورس (شاعر و عضو آکادمی سوئد)، فرج سرکوهی، بیرگیتا تروتسیک (نویسنده و عضو آکادمی سوئد) به‌عنوان میهمان حضور داشتند. برنامه‌های جنبی دیگری چون نمایشگاه صنایع دستی، نمایشگاه نقاشی، بازدید از اتاق کار استیگ داگرمن، بازار کتاب، بازدید از موزه نظامی، و گپ و گفت در کافه، مراسم را از تنوع و تلون خاصی برخوردار کرده بود.

\*\*\*

### یک روز در سال

یک روز در سال باید همه وانمود کنند که مرگ در صندوقچه‌ای سپید آرمیده است. هیچ تخیل بزرگی درهم نمی‌شکنند هیچ کس برای چهار دلار به گلوله بسته نمی‌شود. فاجعه جهانی آرام و بی‌حرکت در ملائه یک هتل زیبا به خواب رفته است. هیچ طنابی به هیچ برادری آسیب نمی‌رساند و هیچ خواهری در کنار هواکش بسته چرت نمی‌زند. هیچ مردی به ناگهان در آتش تکه تکه نمی‌شود و هیچ کس در آن روز در خیابان نمی‌میرد. البته این دروغ است امکانش هم هست، فقط می‌گوییم: ما می‌توانیم اینگونه وانمود کنیم استیگ داگرمن - ۱۹۵۴

\*\*\*

جایزه استیگ داگرمن در سال ۱۹۹۶ بنیان نهاده شد. نخستین جایزه به جان هرون تعلق گرفت. جان هرون پسر ۱۵ ساله‌ای اهل سوئد بود که با دوست خود در یک منطقه بیلاقی چادر زده بود. آن دو، روزی مورد حمله یک گروه چهار نفره از نازیست‌ها واقع شدند. جان پس از تحمل شکنجه‌های بسیار در فرصتی توانست با پریدن به دریاچه خود را نجات دهد. اما وقتی از ساحل نجات شاهد آزار دوستش توسط نازیست‌ها شد، شناکان خود را به قتلگاه رساند، دوستش را رها

کرد اما به‌بهای جان خود. جایزه استیگ داگرمن به این دلیل به‌جان تعلق گرفت که وی «به‌بهای از دست دادن جان خود در برابر پلیدی ایستاد. تصمیم جان نمونه‌ای بود از شجاعتی که الزاماً نقطه مقابل ترس نیست، اما همواره و تحت هر شرایطی نقطه مقابل مسامحه‌کاری پنهان است.» جایزه سال ۱۹۹۷ را به یاشار کمال نویسنده بزرگ ترک دادند، زیرا «در طول بیش از نیم قرن، در مقام یک نویسنده و روزنامه‌نگار شریف، به‌دور از سازشکاری، کلام و قلم را به‌عنوان راهی انسانی برای رسیدن به صلح پایدار به‌کار گرفت.» سومین جایزه (۱۹۹۸) به کتابخانه‌های شهرداری‌های سوئد تعلق گرفت؛ به پاس اینکه «کلام را در اختیار عموم قرار می‌دهند» و به پاس اینکه کارکنان کتابخانه‌ها از طریق کار روزانه خود «تحقق حق همگانی برای دسترسی به فرهنگ را ممکن می‌سازند.»

اما آخرین جایزه استیگ داگرمن در قرن بیستم به لطف وجود شاعر، نویسنده، محقق، و مترجم بزرگ احمد شاملو، از آن فرهنگ ایران شد. هیئت ژوری می‌گوید که «شاملو در شعر و نثر خود قلب جهان را لمس می‌کند... ابزارهای موجود در زبان زیبای فارسی را به‌کار می‌گیرد تا راهی به‌درون انسان بیاید در شعر او عشق به انسان بیش از هر چیز دیگری خود را به‌رخ می‌کشد... او فرم‌های تثبیت شده را به‌کناری می‌نهد تا طرحی نو از درد انسان درآندازد - انسانی که قرن‌ها تحت شرایط غیرانسانی روزگار گذرانده است...»

قصه نیستم که بگویی  
نغمه نیستم که بخوانی  
صدا نیستم که بشنوی  
یا چیزی چنان که ببینی  
یا چیزی چنان که بدانی  
من درد مشترکم  
مرا فریاد کن.

روزنامه Uppsala Nya Tidning زیر عنوان درشت «کلامی که قلب را لمس می‌کند» نوشت:

### جایزه داگرمن به شاعر ایرانی

«تجلیل از کلام آزاد»، بدین گونه می‌توان

مراسم اهدای جایزه استیگ داگرمن در Laxön را جمع‌بندی کرد. برندهٔ جایزه، شاعر ایرانی احمد شاملو به دلیل بیماری ناگزیر به‌انصراف از سفر شد. دلیل انتخاب او از سوی هیئت ژوری این بود که «در شعر و نثر خود قلب جهان را لمس می‌کند». شاملو شاید در بین توده‌های مردم سوئد ناشناخته باشد، اما در کشور خود بزرگ‌ترین است. اگر زمانی کمیتهٔ نوبل تصمیم به‌اهدای جایزه به یک نویسندهٔ ایرانی بگیرد، بی‌گمان ب‌نده، کسی به‌جز شاملو نخواهد بود. اشعار او از عشق به انسان سخن می‌گویند. نوشته‌های او مبارزه در راه آزادی بیان را زنده نگه داشته است. آرته روت رئیس هیئت داوری پیش از اهدای جایزه گفت «آزادی بیان به یک شهر، یک کشور یا فرهنگ محدود نمی‌شود. ادبیات برای همه ماست، چشمه‌ای است که می‌جوشد و همه باید از آن سیراب شوند» او احمد شاملو را با شاعر سوئدی گونار اِکِلهو مقایسه کرد.

روزنامه Gefle Dagblad روز یکشنبه ۶ جون ۹۹ نوشت:

### اهدای جایزه استیگ داگرمن

همه از شعر شاملو لذت بردند.

«هدف شعر تغییر بنیادی جهان است.» این کلمات از شاعر ایرانی احمد شاملو است. دیروز طی مراسمی با شرکت تعداد زیادی از علاقه‌مندان در Laxön در آلو کارله‌بی، شاملو نام خود را به‌عنوان چهارمین برندهٔ جایزه استیگ داگرمن در تاریخ ثبت کرد... احمد شاملو همواره در برابر محدودیت‌ها طغیان می‌کند. او به‌خاطر احقاق حق آزادی بیان فرد مبارزه می‌کند، حقی که همواره باید در راه کسب آن جنگید، خواه آدمی در ایران زندگی کند و خواه در کشوری دیگر... در این برنامه بخشی از فیلم مستند احمد شاملو استاد شعر، شاعر بزرگ آزادی ساختهٔ بهمین مقصودلو به‌نمایش درآمد. حضور شاعر در سالن بزرگ به‌خوبی محسوس بود. در این فیلم شاید در نظر نخست شاملو را آدمی بدبین بباییم، اما بلافاصله طنز و خوش‌بینی او خود را به‌رخ می‌کشد. در این فیلم از زبان او می‌شنویم که «تولد ما تصادفی است تنها چیزی که می‌توانیم به آن مطمئن باشیم این است که مرگ دیر یا زود

به‌سراغمان خواهد آمد. اما کوتاهی زندگی به این معنا نیست که زندگی بی‌ارزش است، بلکه به این معناست که باید جاودانگی را در جای دیگری جستجو کنیم.» مصاحبه‌کننده می‌پرسد «در کجا؟» شاملو جواب می‌دهد «انسانیت»...

روزنامه Arbetar Bladen این تیتراژ را برای گزارش خود انتخاب کرد: سیلی از کلمه که می‌تواند جهان را تغییر دهد؛ و در ادامه نوشت: متأسفانه احمد شاملو نتوانست روز شنبه برای دریافت جایزهٔ استیگ داگرمن به‌اینجا بیاید، با این حال این روز یک روز بسیار زیبا بود، و این زیبایی را از کلام او به‌خود گرفت: کلام خشم، کلام تعقیب شدگان، کلام عشق. بعضی روزها از روزهای دیگر زیباتر می‌نمایند، و این روز که به نام «یک روز در سال» نامیده شده، روزی است که انجمن استیگ داگرمن جایزهٔ خود را اهدا می‌کند. هیئت داوری دلیل اهدای جایزه به شاملو را چنین عنوان می‌کند: «او با شعر و نثر خود قلب جهان را لمس کرده است.» چیزی بهتر از این نمی‌شد گفت. همه آن‌هایی که آن فیلم مستند را دیدند از زبان شاملو شنیدند که «وظیفه اصلی شعر تغییر بنیادی جهان است.»... در این مراسم کارل یوران آکروالد آثاری از ادبیات فارسی را قرائت کرد. تئوری او درباره تکوین شعر فارسی این بود: «زمانی که ما اهالی اسکاندیناوی حداکثر داشتیم روی سنگ حکاکی می‌کردیم، در آن سوی دنیا فرمانروایی بود که ۱۰۰۰۰ رأس اسب داشت که باید مهر می‌خوردند... هرکس که می‌توانست توصیف زیباتری از اسب‌ها و آشوب یال‌هاشان در تاریکی شب و خرامیدن هلال ماه در آسمان پرستاره بسدهد، فرد خوشبختی به حساب می‌آمد و می‌توانست هرچند اسب که قادر بود با خود ببرد...»

\*\*\*

... آری گفتند و نوشتند، به‌فراوانی و در خور شاعر بزرگ ما. آذر محلو جیان هم از شاملو گفت، از کتاب کوچ‌هاش، از شعرش، از زندگی‌اش. از اندیشه‌اش، از صدایش. از حضور نجابت‌بخش‌اش در غربت. گفت که یک سوئدی شعری از شاملو را به‌عنوان وصیت‌نامه خود انتخاب کرده است، و... اما کسی از نگرانی و ترس و التهاب ما، وقتی

که خبر بیماری شاعر نازنین خود را شنیدیم، نگفت. از تلفن‌های بی‌پاسخ، از حدس و گمان‌های وحشتناک، از نگاه‌های غم‌زده، از حلقه‌های اشک در نگاه‌های غم‌زده، از بغض، از دندان خشم برجگرهای خسته. کسی نگفت که وقتی ما خبر بیماری او را شنیدیم، جایزه را فراموش کردیم و دست به‌دعا برداشتیم - و مگر کار دیگری از ما برمی‌آمد؟ نگوئید، بگذارید همچنان اشک در غم ما پرده در شود.

- گونار اِکِلهو (۱۹۶۸ - ۱۹۰۷) نویسنده و شاعر محبوب سوئدی است. عضو سابق آکادمی ادبیات و هنر سوئد. به ادبیات و فرهنگ هندی و به‌ویژه فارسی و عربی علاقه بسیار داشت و از شاعران فرانسوی از جمله رمبو تأثیر گرفته بود.  
- یوران آکروالد نویسنده معروف سوئدی، که تسلط عجیبی بر ادبیات کلاسیک دارد. کتابی که درباره شکسپیر نوشته سر و صدای زیادی به‌پا کرده است. با خواندن ترجمه شعرهای شاملو در کتاب عشق عمومی به‌وی علاقه‌مند شده است.  
- ترجمه شعر «یک روز در سال» و نیز مطالب روزنامه‌های سوئد را خانم آذر محلو جیان انجام داده‌اند. از ایشان سپاسگزاری می‌کنیم.

## به زودی منتشر می‌شود

### «نامها و نشانه‌ها»

فرهنگ جامع نام‌های:  
فارسی، عربی، عبری،  
آشوری، ارمنی، ترکی،  
کردی، لری، طبری، گیلکی،  
خارجی (متداول) و دیگر  
نامهای محلی با آوانگاری و  
ریشه‌یابی  
گردآوری محمد حاجی زاده